

## مجلس اول

### ماه مبارك رمضان؛ ماه خدا

حجت الاسلام والمسلمين استاد حسين انصاريان\*

«شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ  
السَّيِّئَاتِ»<sup>۱</sup>

#### مقدمه

گفتارهای بسیاری پیرامون ماه مبارك رمضان در كلام پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام وجود دارد. بخش اعظم این مطالب از رسول خدا ﷺ نقل شده که خطبه آخر ماه شعبان از جمله آنها است. این خطبه را امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم نقل کرده و دارای مضامین عمیق و جذابی است. در ابتدای این خطبه آمده: «شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ»<sup>۲</sup> ماه رمضان، ماه پروردگار است. خدا حسنات را در آن

\* نویسنده و محقق، از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۹۵.

۲. همان.

مضاعف کند و سیئات را در آن محو گرداند». رسول خدا ﷺ در این حدیث سه محور مهم را مطرح کرده است که به بررسی آنها می‌پردازیم:

### الف. با احترام یاد کردن ماه رمضان

پیامبر ﷺ و ائمه طاهرين ﷺ هیچ‌گاه نام این ماه را تنها ذکر نکرده‌اند؛ بلکه هر وقت کلمه رمضان را بر زبان مبارکشان جاری کرده‌اند، با کلمه دیگری که دلالت بر احترام باشد، همراه می‌کردند.

امام باقر ﷺ علت آن را چنین فرموده است: «رَمَضَانُ اسْمٌ مِنْ اسْمَاءِ اللَّهِ؛ رمضان، نامی از نام‌های پروردگار است». به همین دلیل آن را با احترام بر زبان جاری می‌ساختند.

### تعظیم ماه رمضان، تعظیم شعائر الهی

ماه رمضان از جمله شعائر الهی است و خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ

اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»<sup>۱</sup>.

کسی که به شعائر خدا احترام گذارد و تجلیل کند، از تقوای قلبی برخوردار است؛ یعنی دل با ارزش و پاکی دارد که وقتی می‌خواهد یکی از شعائر الهی را یاد کرده یا عمل کند، با احترام یاد می‌کند و در عمل کردن آن هم، تمام شرایط و آداب آن را رعایت می‌کند.

قلب با تقوا، با ارزش‌ترین قلب است. قلب با تقوا، در برابر شئون پروردگار عالم، فروتن است و صاحب قلب با تقوا، همیشه خود را در برابر پروردگار و شعائر او، خاکسار و فروتن می‌داند.

بهترین نمونه احترام به شعائر الهی، حرکت حضرت سیدالشهدا ﷺ است. آن حضرت در سفر آخری که در حج بودند، با این‌که می‌توانستند همان‌جا بمانند و در مسجدالحرام شهید شوند، ولی آنجا را ترک کردند؛ زیرا مطلع شدند سی نفر از طرف یزید، زیر لباس احرام اسلحه پنهان کرده‌اند تا در حال طواف خانه خدا، حضرت را به قتل برسانند. خون امام حسین ﷺ «ثار الله» است، ولی کعبه، مسجدالحرام و مناسک از «شعائر الله» است، لذا ادب را در این دیدند که

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۷۰.

۲. «و هر کس شعائر خدا را بزرگ شمارد، بدون تردید این بزرگ‌شمردن، ناشی از تقوای دل‌ها است» (حج، آیه ۳۲).

خون پاک‌شان در کنار شعائر خدا ریخته نشود. ایشان حتی اگر شهید نمی‌شدند، خون‌شان پاک‌ترین خون بود؛ چه برسد به این که در کنار بیت خدا شهید می‌شدند.<sup>۱</sup> همان‌گونه که گفته شد، نام این ماه همیشه با احترام نقل شده و در بسیاری از روایات، همراه صفتی است که در فضیلت آن آمده است. حکمت این مطلب را می‌توان از شعائر بودن این ماه دانست.

«شهر رمضان، شهر الله عزّ و جلّ»؛ ترکیب گفتار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسیار زیبا است. در ادبیات عرب، اضافه بحث مهمی است و در آن سه بخش مطرح است: «مضاف»، یعنی آن چیزی که اضافه می‌شود. «مضاف الیه»، چیزی که به او اضافه شده است و نسبتی که در این اضافه وجود دارد. کار اضافه این است که مضاف با اضافه‌شدن به مضاف الیه، از محسنات و ارزش‌های مضاف الیه، برای خودش کسب ارزش می‌کند.

بخشی از قیمت هر خانه، به مقدار مصالحی است که در آن به کار رفته است؛ و بخشی به جهت مکانی که در آن قرار گرفته؛ ولی خانه کعبه، چقدر قیمت دارد؟ قیمت آن، قیمت مادی نیست. قیمتی است که جز خدا کسی خبر ندارد. چون وقتی که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام این خانه را هنوز نساخته بود، خدا در گفتگویی که با او داشت، خانه را به خودش اضافه کرد: «بیتي»؛<sup>۲</sup> یعنی خانه من. این خانه از سنگ و گل است، اما از ارزش‌های پروردگار کسب ارزش می‌کند و این ارزش‌ها را به حاجیان منتقل می‌کند.

مسائل مربوط به امور معنوی حج، شگفت‌آور است. در روایات بسیار مهم وارد شده است که: زائر وقتی وارد مسجدالحرام می‌شود، هیچ کاری که انجام ندهد و فقط کعبه را تماشا کند، به هر نگاهی، صد هزار حسنه به او می‌دهند، صد هزار سیئه او را محو می‌کنند و صد هزار درجه او را

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۸؛ سید ابن طاووس، الملهوف، ص ۱۲۸.

۲. «مَحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام: عَمَّا يَرُودُونَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ؟ فَقَالَ: هِيَ صُورَةٌ مُحَدَّثَةٌ مَخْلُوقَةٌ وَاصْطَفَاهَا اللَّهُ وَاخْتَارَهَا عَلَى سَائِرِ الصُّورِ الْمُخْتَلِفَةِ فَأَصَافَهَا إِلَى نَفْسِهِ كَمَا أَصَافَ الْكَعْبَةَ إِلَى نَفْسِهِ وَالرُّوحَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ بَيْتِي وَتَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ محمد بن مسلم نقل می‌کند که از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام پیرامون نقلی که می‌گوید: خدا آدم را به صورت خود آفریده است. پرسیدم. حضرت فرمود: آن صورتی است پدید آمده و آفریده که خدا آن را انتخاب کرده و بر سایر صورت‌های مختلف برگزیده است و به خود نسبت داده است؛ هم چنان که کعبه و روح را به خود نسبت داده و فرموده است: خانه من و دمیدم در او (انسان) از روحم». (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۳۴).

بالا می‌برند.<sup>۱</sup> خداوند کعبه را به اسم خود اضافه کرده است و کعبه، فیوضات الهی را از طریق این ربط و اتصال، به زائران منتقل می‌کند؛ مانند سیمی که نور را از کارخانه می‌گیرد و به لامپ می‌رساند. اینها در نتیجه بیت‌الله بودن است.

### شهر الله

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کلمه «شهر» را که به معنای ماه است، به «الله» اضافه کرده و فرموده است: «شهر رمضان؛ شهر الله عزّ و جلّ» و فرمودند «شهر الرحمن» یا «شهر الرحیم»؛ بلکه فرمودند: «شهر الله». علت آن، این است که کلمه مبارکه الله، یعنی وجود مقدسی که جامع همه صفات کمال است. پس ماه مبارک رمضان، با اتصال به خدا، همه کمالات لازم را برای انسان، از طریق این ارتباط، به روزه‌دار منتقل می‌کند؛ چون ماه رمضان ماه وصل به خدا است. کسی که وصل به ماه رمضان است، با روزه گرفتن، در صورتی که اتصال او؛ اتصال صحیحی باشد، کمالات الهی را کسب می‌کند. اتصال او فقط از طریق خالی نگاه داشتن شکم نباشد، بلکه وجودش باید به ماه رمضان وصل باشد:

«بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ»؛<sup>۲</sup> «وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ».<sup>۳</sup>

کسی که با همه وجود تسلیم خدا شده و محسن است، به محکم‌ترین دستگیره چنگ انداخته است؛ یعنی هم‌رنگ خدا شده است؛ چون پروردگار محسن است و عاشق هم‌رنگ خودش می‌باشد: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۴</sup>

این گره را شیاطین، ماهواره‌ها و شهوات هم نمی‌توانند باز کنند؛ بلکه «فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ»، نمی‌گوید عروه وثیق، بلکه می‌فرماید: «عُرْوَةُ الْوُثْقَىٰ»؛ دستگیره استوارتر و محکم‌تر.

۱. همان، ج ۴، ص ۳۹۸.

۲. «آری، کسانی که همه وجود خود را تسلیم خدا کنند، در حالی که نیکوکارند». (بقره، آیه ۱۱)

۳. «و هرکس همه وجود خود را به سوی خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، بی‌تردید به محکم‌ترین دستگیره چنگ زده است؛ و سرانجام و عاقبت همه کارها فقط به سوی خدا است». (لقمان، آیه ۲۲)

۴. «و خدا نیکوکاران را دوست دارد». (مانده، آیه ۹۳)

## نقش ماه رمضان در جلوگیری از گناه

وقتی همه وجود انسان وصل به ماه رمضان باشد، اگر کسی غیبتی را شروع کند، به او می‌گوید: من روزه هستم؛ یعنی سخن خود را قطع کنید. یا وقتی چشمش به نامحرم می‌افتد، میل به نگاه کردن هست، که این میل، میل طبیعی است، نه میل شیطانی؛ چون میل به زیبایی‌ها، میل طبیعی است، اما اجازه نداده‌اند که این میل به همه جا برود و آن را محدود به حدود صحیحی کرده‌اند.

وقتی آدم بیرون می‌رود، این همه چهره‌های زیبا را می‌بیند؛ اما به چشمش می‌گوید: ماه رمضان است، من در ماه رمضان روزه هستم، پس نباید حرمت این ماه را بشکنم. به گوش و شکمش هم همین را می‌گوید. اتصال واقعی به ماه رمضان چنین است.<sup>۱</sup>

لذا از منظر پیامبر ﷺ روزه، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه باید زبان، گوش و چشم انسان نیز روزه داشته باشند. رسول خدا ﷺ فرمود: «وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَغَضُّوا عَمَّا لَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ وَعَمَّا لَا يَحِلُّ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ»<sup>۲</sup> زبانتان را نگه دارید و چشمانتان را بر آنچه نگاه بدان روا نیست، ببندید و گوش‌هایتان را از آنچه گوش دادن بدان حلال نیست، نگه دارید».

روزی پیامبر ﷺ شنید که زنی به کنیزش ناسزا می‌گوید؛ درحالی‌که روزه‌دار است. حضرت دستور داد طعامی آورند و به آن زن فرمود: بخور! عرض کرد: ای رسول خدا! روزه هستم. حضرت فرمود: چگونه روزه داری، در صورتی که به کنیزت فحش می‌دهی؟ سپس فرمود: روزه، فقط خودداری از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نیست؛ خداوند روزه را بر هر آن‌چه که روزه را از بین می‌برد، حجاب قرار داده است. آن‌گاه فرمود: «قَلَّ الصَّوْمَ وَأَكْثَرَ الْجُوعِ»<sup>۳</sup> چقدر روزه‌داران واقعی کم هستند و گرسنگان بسیار».

## ماه رمضان، واسطه الهی

براساس فرموده پیامبر اکرم ﷺ، ماه رمضان اضافه به الله شده است؛ «شهر الله» باعث می‌شود

۱. سید ابن طاووس، *إقبال الأعمال*، ج ۱، ص ۳.

۲. شیخ صدوق، *الأمالی*، ص ۹۴.

۳. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۱۶۶.

ماه رمضان المبارک از الله، کمالات لازم را بگیرد و این کمالات لازم را به شخصی که متصل به خودش است، انتقال بدهد. ماه رمضان بخیل نیست و کمالات را برای خودش نمی‌خواهد؛ بلکه ماه رمضان مانند یک شفیع و واسطه است. اگر این شفیع و واسطه را خدا برای ما قرار نداده بود، یقین بدانید که در قیامت با وجود داشتن نماز، حج، جهاد، خمس و... نصیب ما از خدا بسیار اندک بود. این ماه رمضان است که دنیا و آخرت ما را به گونه‌ای تقویت می‌کند که هیچ عملی، به این قدرت نمی‌تواند تقویت کند. طبیعتاً با استفاده از تقوا و ماه مبارک رمضان، می‌توان به مقامات عالی رسید و دنیایی که در مقابل خواسته پروردگار قرار می‌گیرد، در نگاه چنین افرادی، بی‌ارزش و بی‌اهمیت جلوه می‌کند. از جمله این افراد، می‌توان حضرت سلیمان علیه السلام را نام برد. ایشان در اوج قدرت بودند، ولی تنها موجب خیر گشته‌اند. شیوه رفتار او با ملکه کشور سبا، در سوره مبارکه نمل آمده است. قبل از این‌که پادشاه مملکت سبا حضرت سلیمان علیه السلام را بشناسد و بفهمد که او چه انسان پاک و والایی است، هدهد نامه آن حضرت را برای پادشاه سبا برد و او برای پاسخ دادن به این نامه، با درباریان و بزرگان کشورش مشورت کرد. یکی از جمله‌های ملکه سبا این جمله بود: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا؛<sup>۱</sup> پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به فساد و تباهی می‌کشند و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند». پادشاهان و حاکمان قدرتمند به هر کشوری که وارد شوند، اوضاع آن کشور را به هم می‌ریزند؛ مردم را می‌کشند، ثروت کشور را غارت می‌کنند، پول‌های مردم را می‌برند، جوان‌ها را نابود می‌کنند، اهل مملکت را به فساد می‌کشند، که نمونه آن را در این روزگار ملاحظه می‌کنید.

نگرانی پادشاه سبا از این مسئله بود که تاریخ به تجربه ثابت کرده که حاکمان قوی، انسان‌هایی بی‌رحم و ستمگر هستند؛ بنابراین گفت: برای این‌که جلوی ورود حضرت سلیمان علیه السلام را بگیریم که نظم کشور به هم نریزد، مردم کشته نشوند، جوان‌ها به فساد کشیده نشوند و خزانه مملکت به غارت نرود، پیشدستی کنیم و مقداری هدیه ارزشمند برای سلیمان بفرستیم تا او چشمش به این طلا و نقره و پارچه‌های بافت مملکت سبا و هنرهای دستی بیفتد و روح طغیانگرش فروکش کند. کشور سبا هم کشور بسیار ثروتمندی بود و آن‌چه را که به عنوان هدیه آماده کردند، گران‌قیمت بود. هدیه‌ها را بار شترها کردند و به محل حکومت حضرت سلیمان علیه السلام، این انسان

---

۱. نمل، آیه ۳۴.

پاک، انسان عادل و الهی که قدرت به دست آمده را فقط در راه خیر مصرف می‌کرد و شری نداشت، آمدند.

نمایندگان مملکت سبا دیدند که وقتی بارها را باز کردند و همه هدیه‌های ارزشمند را نگریستند، چشم این حاکم خیره نشد، قیافه‌اش عوض نشد و شگفت‌زده هم نشد؛ با این‌که اگر به هر کسی هدیه گران‌قیمت بدهند، هزار نوع تشکر می‌کند.

حضرت سلیمان علیه السلام به نمایندگان مملکت سبا گفت: اینها چیست؟ گفتند: قربان، پادشاه سبا این مجموعه را به خدمت شما تقدیم کرده است.

حضرت فرمود: تمام آن‌ها را جمع کنید، بارش‌ها کنید و بی‌کم و زیاد همه را برگردانید. از قول من به پادشاهتان بگویید: آن‌چه که خدای من به من عنایت کرده است، بهتر است از آن‌چه که شما می‌خواهید به من بدهید. نامه‌ای که من به شما نوشتم، برای طلا و نقره و هدیه و کشورگشایی نبود.<sup>۱</sup>

برای این نوع افراد، اوامر الهی، بر همه امور ارجحیت دارد.

### تفاوت روزه با واجبات دیگر

خداوند متعال نفرموده هیچ عمل مثبتی از انسان به من تعلق دارد؛ همه را گفته است که مال خودت باشد. درباره نماز تعبیر به «صلاتک» کرده و درباره زکات تعبیر «زکاتک» فرموده؛ یعنی از کاف خطاب استفاده می‌کند؛ به موسی علیه السلام می‌گوید: «صدقته و حجک»؛ اما به ماه رمضان و روزه آن‌که می‌رسد، می‌فرماید: «الصوم لی»؛<sup>۲</sup> روزه من، نه روزه تو؛ چون تو لایق نبودی که روزه مال تو باشد، بلکه روزه مال من است. من با کرم خودم به تو توفیق می‌دهم که وارد روزه شوی؛ وگرنه روزه مال من است، نه مال تو. اما نماز به این عظمت، مال تو؛ با این‌که در نماز، همه اعضا و جوارح تو در نماز است؛ رکوع، سجده، قنوت و تشهد دارد، این پیکره با عظمت نماز را می‌گوید برای تو است؛ اما روزه را می‌گوید برای من است؛ چون تو آن قدر مقام نداشتی که روزه برای تو باشد.

1. [www.erfan.ir/farsi/38639.html](http://www.erfan.ir/farsi/38639.html).

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ؛ پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند تبارک و تعالی فرموده است: روزه برای من است و من پاداش آن را می‌دهم». (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۵۲).

اما من ملک طلق و خالص خودم را در این یک ماه به شما ارزانی می‌دارم؛ چون کریم هستم؛ و تو در این سی روز از خزانه من که در این ملک است، هرچه می‌توانی برای خودت بهره‌برداری کن و هرچه بیش‌تر بهره‌برداری کنی، خدا ناخرسند نمی‌شود.

### نقش روزه در عزتمندی

سپس می‌فرماید: «شهر الله عزّ و جلّ»، نمی‌گوید: شهر الله تعالی؛ زیرا از عزّ و جلّ معنای توانای شکست‌ناپذیر نیز به دست می‌آید؛ یعنی اگر به ماه رمضان که وصل به خدا است، وصل شوی، تو هم توانای شکست‌ناپذیر می‌شوی. به این شکل هم می‌توان از خدا رنگ گرفت. در این آیه قرآن می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛<sup>۱</sup> قدرت شکست‌ناپذیری در این عالم، مخصوص سه نفر است: خدا، پیامبر ﷺ و اهل ایمان. کسی که با تمام وجود، وصل به ماه رمضان است، مؤمن واقعی است.

«شهر الله عزّ و جلّ» جلّ، یعنی عظیم؛ یعنی ما کوچک بودیم و با روزه بزرگ و بالغ شدیم. روز اول ماه مبارک رمضان، روزه‌داران، مورد احترام، کرامت و عظمت حضرت حق هستند؛ تا جایی که خدا با شما به فرشتگانش مباحثات می‌کند. به جای این‌که زمین به آسمان ببالد، آسمان به زمین می‌بald.

### ب) فراوانی ثواب در ماه رمضان

جمله دوم این روایت پر از بشارت، تشویق و عنایت است. اینکه گاهی می‌گویند دریای بی‌نهایت، چنین چیزی در عالم وجود ندارد. بهشتی هم که در قیامت به ما می‌دهند، نهایت دارد؛ زمان آن بی‌نهایت است. ولی در این دریای بی‌نهایت، محبت خدا به روزه‌دار موج می‌زند. یک چشم باطنی و قلب پاکی می‌خواهد که آدم ببیند و درک کند. راوی روایت مورد نظر، امام صادق علیه السلام است و از جهت سند و متن، بسیار قوی است؛ علاوه بر اینکه از آیات قرآن هم این معانی، به اشاره استفاده می‌شود.

جمله دوم این روایت، چنین است: «وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ».

۱. «در حالی‌که عزت و اقتدار برای خدا و پیامبر او و مؤمنان است، ولی منافقان به این حقیقت معرفت و آگاهی ندارند». (منافقون، آیه ۸)



پروردگار وارد میدان زندگی بنده خود می‌شود تا ببیند بنده‌اش در شبانه‌روز ماه رمضان، چه کار خوبی انجام می‌دهد؟ چه وقت یک «الله اکبر» یا «الحمد لله» یا «سبحان الله» می‌گوید؟ چه وقت وارد نماز می‌شود؟ چه وقت قرآن می‌خواند؟ پروردگار دنبال این است که بنده‌اش در ماه رمضان چه زمانی وارد انجام یک کار خوب می‌شود، تا این کار خوب را به خودش اضافه کند.

چه مقدار اضافه می‌کند؟ پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیدی ذکر نفرمودند؛ فقط فرمودند: «يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ»

بعضی از خوبی‌ها با یک ادب خاصی بیان شده است، مثلاً می‌فرماید: در ماه رمضان کسی که قرآن می‌خواند، مثلاً وقتی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌گوید، چون یک آیه قرآن است، خدا ثواب یک ختم کامل قرآن را در پرونده‌اش ثبت می‌کند. بسم الله در نمازهای واجب هم عنوان قرآن خواندن را دارد.

شما یک رکعت نماز صبح می‌خوانید، خدا آن یک رکعت را تبدیل به میلیاردها رکعت می‌کند. عددی معلوم نشده است که مثلاً با یک «الحمد لله»، چقدر ثواب اضافه می‌شود؟<sup>۱</sup>

برای روشن شدن مطلب، خوب است که به این مثال توجه شود؛ دریا را در کمال آرامش می‌بینید که یک ذره موج ندارد. سنگ کوچکی برمی‌دارید و در آب می‌اندازید. این سنگ به اندازه خود، یک موج دایره‌ای ایجاد می‌کند. آن موج یک موج بزرگ‌تر و بزرگ‌تر، ایجاد می‌کند. کار خدا در ماه رمضان این‌گونه است. شما یک سنگی به نام «الحمد لله» یا روزه یا نماز واجب، در دریای رحمت خدا می‌اندازید؛ پروردگار عالم، دریای رحمت خود را موج می‌دهد. اینکه می‌گوییم سنگ، چون اعمال ما در پیشگاه او چیزی نیست. وقتی زینب کبری رَضِيَ اللهُ عَنْهَا دو دستش را زیر بدن ابی‌عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام برد و با اعتقاد به پروردگار گفت: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلِ الْقَرْبَانَ»<sup>۲</sup> خداوند! این قربانی اندک را از ما بپذیر» پس عمل ما نسبت به او ناچیز است.

موج تا آنجا می‌رود که عقل ما کار نمی‌کند که این موج را بیابد. این معنای «وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ» است. خدا اگر بخواهد اضافه کند، تا بی‌نهایت اضافه می‌کند؛ چون ذات و فعل خدا بی‌نهایت است.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۴۰.

۲. گروهی از علماء و دانشمندان، وفیات الائمة، ص ۴۵۰.

### ج) محو گناهان به برکت ماه رمضان

جمله سوم بسیار امیدبخش است و خداوند چقدر روز اول ماه رمضان، روزه‌دار را خوشحال می‌کند و لذت قلبی به او می‌دهد. «وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ» پروردگار در ماه رمضان، تمام زشتی‌ها و گناهان را از پرونده روزه‌داران می‌زداید.

در این دنیا سنگینی گناه را به کسی نشان نداده‌اند. قرآن مجید می‌فرماید: در قیامت، مجرمان حرفه‌ای را زنجیری می‌زنند که طول زنجیر هفتاد ذراع است.<sup>۱</sup> در روایات ما آمده است: هر حلقه این زنجیر، از کره زمین سنگین‌تر است و این سنگینی به دلیل سنگینی گناهان است، نه خود زنجیر؛<sup>۲</sup> یعنی در هر حلقه آن، این اندازه تراکم هست. گناه، این سنگینی را دارد.

امروزه دانشمندان می‌گویند: اگر کسی بتواند خلأ بین اتم‌های کره مریخ را از بین ببرد و فشرده‌اش کند، به اندازه یک نارنج می‌شود، بدون اینکه وزن آن کم شود؛ چون خلأ که وزنی ندارد؛ وقتی مریخ را فشرده کنند و خلأ میان الکترون‌ها و هسته‌های مرکزی را بگیرند، تراکم که پیدا بکند، اندازه یک نارنج می‌شود، ولی وزن آن کم نمی‌شود.

اینکه حضرت می‌فرماید: هر حلقه این زنجیر به وزن کره زمین است، این وزن از سنگینی گناه است. کاری که خدا در ماه رمضان انجام می‌دهد، این است که آن قدر بار از روی دوش همه ما برمی‌دارد که اگر آن بار بر دوش ما بماند، در قیامت ما را به خاطر آن زنجیر می‌کنند و اگر در قیامت گناهکاران به خدا بگویند: ما پرونده این شخص کنار خودمان را دیدیم، او هم صد گناه مثل گناهان ما را داشت؛ چرا او را زنجیر نمی‌کنید؟ آیا این عدل است؟ خدا ماه رمضان را به رخ آنها می‌کشد و می‌گوید: این‌ها اتصال به ماه رمضان پیدا کردند و من بر خودم واجب کرده بودم که بار سنگین گناهان‌شان را در ماه رمضان محو کنم.

تا به حال از سنگینی فکری، روحی و مشکلات درآمده‌اید که یک نفس راحت کشیده باشید؟ خدا آن روز بندگانش را در راحتی قرار می‌دهد. بار گناه، چه بار سنگینی است! به رسول خدا ﷺ خبر دادند که کسی در حال احتضار است و از حضرت درخواست کردند که بالای سر او حاضر شود. وقتی حضرت بر بالین وی حاضر شدند، فرمودند: بگو «لا اله الا

۱. «سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد ذراع است، به بند کشید». (حاقه، آیه ۳۲)

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۸۰.

الله». مثل این که دهان او قفل شده بود. قیافه نشان می داد که به خاطر بار گناه، از گفتن «لا اله الا الله» می ترسد. واسطه ای مثل پیامبر که مستجمع رحمت الهی است بالای سر آدم باشد، آن وقت دهان آدم قفل شود و از گفتن «لا اله الا الله» بترسد!

حضرت تکرار کردند؛ او ترس داشت. حضرت دعایی را به او یاد دادند. با زبان که نمی توانست بخواند، اما گوش او می شنید. حضرت تصرفی در او کردند که بتواند این دعا را از شعاع قلبش عبور بدهد و آن دعا این بود:

«يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ؛ ای خدایی که عمل کم را قبول می کنی؛ «وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ؛ از گناهان فراوان گذشت می کنی؛ «إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ؛ عمل ناچیز را از من قبول کن «وَأَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ؛ و گناهان بسیار مرا عفو کن».

او خواند؛ سپس حضرت فرمود: بگو: «لا اله الا الله». دیگر نترسید و با آرامش گفت. حضرت فرمودند: چرا من به تو گفتم: بگو: «لا اله الا الله» نمی گفتی؟ گفت: یا رسول الله! یک هیولای سیاه بدقیافه عجیب و غریب در حال حمله به من بود و می گفت: اگر بگویی، تمام وجودت را از بین می برم.

وحشت از آن قیافه، جلوی مرا گرفته بود؛ اما الان می بینم که همه فضای روبه روی من پر از روشنایی، نور، سرور، کرامت و لطف است.<sup>۱</sup> به راستی! چه لطفی از این بالاتر که روز و شب ماه رمضان، خدا خودش، بدون اینکه ما توبه کنیم، فقط به احترام ماه رمضان، گناهان ما را محو کند: «وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ».

### توبه از صمیم دل

در کتاب مصابیح القلوب سبزواری، آمده است که چون آیه تحریم شراب بر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد، منادی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ندا داد که کسی نباید شراب بخورد. روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کوچه ای عبور می کرد و مرد مسلمانی با شیشه شراب، وارد آن کوچه شد؛ چون رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دید که می آید به شدت ترسید و گفت: خدایا توبه کردم و دیگر شراب نمی نوشم؛ من را رسوا نکن. چون به آن حضرت نزدیک شد، حضرت پرسید: در این شیشه چیست؟ گفت: سرکه است. آن

۱. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۳۲.

حضرت دستش را جلو برد و فرمود: مقداری در دست من بریز؛ وقتی که ریخت، دید سرکه است. مرد گریه کرد و گفت: یا رسول الله! قسم به خدا که سرکه نبود، بلکه شراب بود؛ ولی توبه کردم و از خدا خواستم که مرا رسوا نکند؛ چنین شد و رسوا نشدم. حضرت محمد ﷺ فرمود: چنین است؛ هرکه توبه کند، خداوند سیئات او را به حسنات تبدیل می‌کند. «أُولَئِكَ يُدْخِلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»<sup>۱</sup>

---

۱. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۴۱۹.